

چرا فرار از خانه؟

رها آزاد

خبرگزاری ایسنا اعلام کرد که در طول سال ۱۳۸۰، ۴ هزار و ۷۳ نوجوان فراری شناسایی و "مورد هدایت" قرار گرفته‌اند که ۱۴/۳٪ آنان را دختران و ۸۵٪ را پسران شامل می‌شوند. در این گزارش برخورد ابزاری مادران و پدران با فرزندان و به ویژه دختران‌شان، قدرت بی حساب پدران برای زورگویی به زن و دختر، سخت‌گیری‌ها و فشارهای بی‌مورد به نوجوانان، اعتیاد والدین، مشکلات حاد اقتصادی، قوای قهریه فردی و اجتماعی و نظایر آن از عوامل فرار دختران و پسران ذکر شده است. هم‌چنین در این گزارش آمده است که بیش از نیمی از ۸۵ تا ۱۰۰ کودک و نوجوانی که از خانه‌های خود فرار می‌کنند دختر هستند. ۷۲٪ زنان و دختران فراری بین ۱۶ تا ۲۵ سال دارند و ۹۴٪ بی‌سواد یا کم‌سوادند. ۵۹٪ در مقطعی از زمان ازدواج رسمی کرده و ۴۱٪ آن‌ها مجردند.

مدت‌ها است که آمار و ارقام رسمی در ایران به اوضاع حاد و بحرانی زنان، جوانان و کودکان طبقات محروم و زحمت‌کش و بی‌کار جامعه پرداخته و از وخامت اوضاع آن‌ها اطلاع می‌دهند. به علت اوضاع سیاسی حاکم بر کشور بیشتر این معضلات به شیوه روان‌شناختی در سطح خرد در نهاد خانواده بررسی شده و علل سرخوردگی و بی‌پناهی این اقشار به طور عمده با بدرفتاری‌ها، کج‌اندیشی‌ها و نقایص مادی و ذهنی والدین توضیح داده می‌شود. واقعیت این است که خانواده نهادی است که از دل جامعه موجود بیرون آمده و خصلت‌ها و ویژگی‌های همین جامعه را نیز به کودکان‌اش انتقال می‌دهد. فشار، سرکوب و ستمی که پدر و مادر در مورد کودک خود مرتکب می‌شوند ناشی از موقعیت مشخص خود آنان در سلسله مراتب اجتماعی است و رفتار آنان در ارتباط نزدیک با سهم آنان از ثروت اجتماعی و یافته‌های فرهنگی قرار دارد. به این معنا پدران و مادران طبقات محروم فشار خردکننده و انحطاط‌آور مادی و ذهنی شرایط خویش را به کودکان‌شان منتقل کرده و کودکی آن‌ها را نیز مسموم و نابود می‌کنند. تحت چنین فشار سهم‌گینی کودک بی‌نوا از عهده پاسخ‌گویی به توقعات جامعه رسمی اطرافش مبنی بر کانالیزه کردن انرژی خود در مسیر تحصیل و کارمزدی باز می‌ماند. با آن‌که مدت‌ها است که رویای خوشبختی خانوادگی در فقیرترین اقشار جامعه ایران به کابوسی تلخ و هول‌ناک برای کودکان زنان و جوانان تبدیل گشته اما هنوز توقع زیادی از "خانواده" در معنای آبستراکت آن وجود دارد که امیدوار است که خانواده تحت شرایط موجود بتواند کارکردهای مورد نظر جامعه و دولت را انجام دهد. اما شرایط دشوار ایران نشان می‌دهد که دیگر نباید علت فرار و سرگشته‌گی نوجوانان را در وجود خانواده‌های‌شان و با ابزار روان‌شناختی جستجو کرد. نمی‌توان زندگی نفرین شده این انسان‌ها را که قربانیان یک شرایط غیر انسانی‌اند به عنوان "سرنوشت"های فردی آنان و گناه پدران و مادران‌شان بازگو کرد. باید از خود پرسید که چگونه می‌توان در آلونک‌های محقر و فقیرانه از اعمال فشار و زور توسط والدین برای ایجاد نظم و آرامش پیشگیری به عمل آورد؟ چه‌گونه می‌توان با موعظه‌های اخلاقی و پند و اندرزهای عالمانه شکم‌گرسنه خانواده‌های پرجمعیت فقیر را سیر نمود؟ در حالی که یک ملت به شکل پست و خوارکننده‌ای برده افراد خودکامه و مستبدی هستند که هیچ‌گونه حقوق مدنی و انسانی برای آن‌ها قایل نیستند، چه‌گونه می‌توان انتظار داشت که در یک مقیاس کوچک‌تر یعنی در نهاد خانواده بدون دست‌رسی به نان، کار، مسکن، کتاب، فرهنگ، آموزش، تربیت و نهادهای دموکراتیک بردگی موهن زن و کودک را برچید؟ وقتی هنوز قوانینی برای محدود کردن اختیارات و تسلط بی‌حساب حاکمان کشور وجود ندارد چه‌گونه می‌توان انتظار تنظیم روابط در خانواده را داشت؟ بررسی حرکت و تحول واحدها و نهادهای خرد جامعه باید در پیوند با بررسی قانون‌مندی‌های نهادهای کلان جامعه هم‌راه باشد تا پدیده‌های اجتماعی به شکل اسرارآمیز و غیر قابل درک پدیدار نشده و ارتباط ارگانیک آن‌ها با یک‌دیگر توضیح داده شود.

مشکل دختران و پسران فراری بیش از هر زمان دیگر چهره یک نظام اجتماعی فرتوت و از پای‌درآمده را نشان می‌دهد که قادر نیست عناصر نوین فرهنگی و ارزشی به انسان‌ها عرضه کند. فرار این نوجوانان و زنان خیر از فاجعه‌ای در بطن

جامعه می‌دهد که جز با برقراری روابط آزاد و دمکراتیک بین پدر و مادر و فرزندان حل نخواهد شد و خود این امر در گرو ایجاد ساختاری دمکراتیک می‌باشد که حقوق و وظایف افراد و نهادهای مختلف اجتماعی تعریف و پذیرفته شده باشد. این نوجوانان و زنان دیگر نمی‌توانند با حداقل‌های موجود که حتی آن‌هم از ایشان دریغ می‌شود، سر کرده و خود را راضی و خوشبخت حس کنند. توقع ایجاد رابطه جنسی و عشقی آزادانه با انسان دیگر، توقع پاس حرمت و شخصیت انسانی کودک و زن از سوی خانواده و همسر، توقع امکانات مادی متوسط که بتواند پاسخ‌گوی نیازها و خواست‌های جوانان و زنان در زمینه قدرت خرید، رفاه مادی، تحصیل، کار و مسکن باشد، به حداقل‌هایی بدل شده است که باید برآورده شوند تا معضل کودکان و زنان فراری حل شود.